

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۲۸ آذر ۱۴۰۱

موضوع جزئی: آیه ۴۸ - بخش سوم - شفاعت کنندگان در دنیا و آخرت

مصادف با: ۲۴ جمادی الاول ۱۴۴۴

جلسه: ۱۷

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين

دسته دوم: شفاعت کنندگان در دنیا و آخرت

عرض کردیم شفاعت تشریحی مربوط به مسلمانان توسط یک گروه یا افرادی یا اشخاصی فقط در این دنیا و توسط برخی هم در دنیا و هم در آخرت صورت می‌گیرد؛ یعنی بعضی امور فقط در دنیا شفیع محسوب می‌شوند، ایمان، عمل صالح، توبه، قرآن بنابر بعضی از انظار فقط در دنیا شفاعت می‌کند. اما بعضی از امور و اشخاص هم هستند که هم در دنیا و هم در آخرت شفاعت می‌کنند.

۱. قرآن

در مورد قرآن که عرض کردیم اختلاف است، برخی معتقدند که قرآن هم در دنیا و هم در آخرت شفاعت می‌کند. در مورد شفاعت قرآن در دنیا در جلسه گذشته توضیح دادیم؛ اما در مورد آخرت برخی از روایات دلالت می‌کند بر شفاعت قرآن در آخرت. در نهج البلاغه از امیرمؤمنان علی (ع) وارد شده: «وَاعْلَمُوا أَنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَقَائِلٌ مُصَدِّقٌ وَأَنَّهُ مَنْ شَفَعَ لَهُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفَّعَ فِيهِ وَمَنْ مَحَلَّ بِهِ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَدَّقَ عَلَيْهِ»؛ می‌فرماید بدانید که قرآن شفاعت می‌کند و شفاعت آن مقبول است؛ قرآن گوینده‌ای است که سخنش مورد تصدیق قرار می‌گیرد و ... عمده اینجاست؛ اینکه «شافع مشفع» شفاعت می‌کند و شفاعتش مقبول است، این اطلاقش هم دنیا را می‌گیرد و هم آخرت را. بعد می‌گوید «وَ أَنَّهُ مَنْ شَفَعَ لَهُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفَّعَ فِيهِ»، کسی که قرآن در قیامت از او شفاعت کند، این شفاعت پذیرفته می‌شود. اینجا به وضوح و به روشنی و بلکه به صراحت بر شفاعت قرآن در روز قیامت تأکید می‌کند.

اینکه من عرض کردم در مورد قرآن اختلاف است، به جهت است که برخی شفاعت قرآن را اختصاص داده‌اند به دنیا، به همان بیانی که عرض شد؛ مثلاً در «فی ضلال نهج البلاغه» گفته «و المراد بشفاعة القرآن أنه يشهد بلسان الحال أن هذا المؤمن قد ائتمر بامر و انتهى بنهي»^۱، اینکه گفته شده قرآن شفاعت می‌کند، منظورش این است که با زبان حال شهادت می‌دهد که مثلاً این مؤمن به دستورات عمل کرده و از اوامر پیروی کرد و از نواهی هم اجتناب کرده است؛ منظور از شفاعت قرآن این است. ظاهر این بیان آن است که شفاعت قرآن مختص به حال دنیاست، مربوط به دنیاست، آنچه در

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۲. فی ضلال نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۳۰.

قیامت اتفاق می افتد شهادت است و شفاعت نیست؛ ولی ظاهر کلام امیرالمؤمنین در نهج البلاغه این نیست، ظاهرش این است که شفاعت می کند و شفاعت او مورد پذیرش قرار می گیرد؛ تعبیر نهج البلاغه را دقت بفرمایید: «وَ أَنَّهُ مَن شَفَعَ لَهُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفَّعَ فِيهِ»، اینکه بگوییم شفع به معنای شهد است، این خلاف ظاهر است؛ اگر این بود، حضرت می فرمود مَن شهد له القرآن يوم القيامة، پس قرآن از اموری است که هم در دنیا و هم در آخرت شفاعت می کند.

۲. ملائکه

ملائکه و فرشتگان هم در دنیا و هم در آخرت شفاعت می کنند؛ شفاعت ملائکه در دنیا همان استغفار آنهاست، «وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»^۱، اینکه می گوید «یستغفرون لمن فی الارض» یعنی همه ساکنان روی زمین مشمول استغفار ملائکه هستند؛ این برای دنیاست. منتهی ما به اطلاق این آیات نمی توانیم اخذ کنیم، یعنی بگوییم استغفار ملائکه شامل کفار و مشرکان و ظالمان هم می شود، چون با برخی آیات دیگر سازگار نیست. ملائکه اگر استغفار می کنند به اذن خداوند تبارک و تعالی است؛ آنها اساساً به امر و نهی الهی کارها را انجام می دهند. اگر آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» را که قبلاً هم نقل شد ملاحظه کنیم، وقتی خداوند تبارک و تعالی کفار و مشرکان را مشمول مغفرت خودش قرار نمی دهد، دیگر معنا ندارد که ملائکه شفیع و واسطه شوند برای اینکه آنها بخشیده شوند. به عبارت دیگر استغفار ملائکه شامل مشرکان و منافقان و ظالمان نمی شود. به علاوه، آیات دیگری هم که محدود می کند شفاعت شوندگان را به مؤمنان؛ «لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَن ارْتَضَى» معلوم است که کفار و مشرکان از دایره من ارتضی خارج هستند؛ قبلاً گفتیم که من ارتضی یعنی کسانی که باورهای اصلی آنان مورد رضایت خدا باشد. حداقل ایمان به خدا و توحید و معاد داشته باشند؛ حالا در عمل صالح ممکن است مشکلاتی داشته باشند که آن با شفاعت، اگر زمینه هایش باشد، برطرف می شود.

بالتر از این، آیاتی که مقید این معناست که با همین مضمون است ولی به جای «من فی الارض»، «الذین آمنوا» را ذکر کرده است. آیه: «الذین یحملون العرشَ ومن حوله یسبِّحون بحمد ربهم ویؤمنون به ویستغفرون للذین آمنوا»^۲ اینجا خیلی روشن مسأله مؤمنان را مطرح کرده که ملائکه استغفار می کنند برای کسانی که ایمان می آورند.

این در مورد شفاعت فرشتگان در دنیاست؛ اما ادعای ما این است که هم در دنیا و هم در آخرت شفاعت می کنند. برخی آیات بر این نکته دلالت دارد؛ غیر از آیه «الذین یحملون العرشَ ومن حوله...»، به دنبال آیه ۷ سوره غافر آیاتی ذکر شده که این مطلب را می رساند؛ از جمله «وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ * رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ»، یکی در آیه ۷، یکی در آیه ۸ و یکی هم در آیه ۹؛ اینها به وضوح بر شفاعت فرشتگان در روز قیامت دلالت می کند. چون آیات بعدی، یعنی آیه ۱۰ سوره غافر در مورد کافران وارد شده که قطعاً مقصود قیامت است: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ...»، به قرینه اینکه

۱. سوره شوری، آیه ۵.

۲. سوره غافر، آیه ۷.

آن مربوط به قیامت است، پس معلوم می‌شود آنچه ملائکه از خداوند از باب حفظ از عذاب جحیم یا تقاضای دخول در جنات عدن می‌کنند، مربوط به قیامت است.

پس ملائکه هم در دنیا و هم در آخرت شفاعت می‌کنند.

۳. پیامبران و نبی مکرم اسلام

پیامبران و خصوصاً نبی مکرم اسلام (ص) از کسانی هستند که در روز قیامت شفاعت می‌کنند. آیه «وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ * ... يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ...»^۱ «اتخذ الرحمن ولدا» مسلماً شامل حضرت عیسی می‌شود؛ مرحوم علامه طباطبایی یکی از کسانی که ولد الرحمن محسوب شده را حضرت عیسی می‌داند. بعد در ادامه دارد «و لا یشفعون الا لمن ارتضی»، این «لایشفعون» شامل «من اتخذ الرحمن ولدا» می‌شود. بنابراین هم «عباد مکرمون» و هم «اتخذ الرحمن ولدا»، اینها شامل انبیاء می‌شود؛ اینها را ذکر می‌کند و بعد می‌فرماید «لایشفعون الا لمن ارتضی»؛ «لایشفعون» شامل انبیاء است. پس انبیاء هم حتماً جزء شفاعت کنندگان محسوب می‌شوند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) به خصوص در بین انبیاء یک جایگاه ویژه‌ای برای شفاعت دارد که هم در قرآن و هم در روایات به تفصیل درباره آن سخن گفته شده است. شاید بالاترین مرتبه شفاعت مربوط به نبی مکرم اسلام (ص) باشد؛ از همه انبیاء بالاتر و از سایر حقایق هم برتر. از جمله آیه «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا»^۲، آن مقام محمودی که خداوند تبارک و تعالی برای پیامبر قرار داده، آن هم به واسطه تهجد و نماز شب، مقام شفاعت است. این مقام محمود که ذکر شده، همان مقام شفاعت است که به وضوح این برای پیامبر (ص) وجود دارد. تازه در برخی روایات دارد حتی سایر پیامبران هم به شفاعت نبی مکرم اسلام امید دارند؛ یعنی شفاعت پیامبر (ص) مختص گناهکاران و معصیت‌کاران و اهل کبائر نیست، بلکه اولیاء هم به شفاعت نبی مکرم اسلام (ص) امید دارند. امام باقر (ع) در روایتی با اشاره به آیه «وَأَسْوَفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ» می‌فرماید این امیدبخش‌ترین آیه نزد اهل بیت است؛ این خیلی مقام بالایی است، چون می‌گوید خداوند آنقدر به تو عطا می‌کند تا تو را راضی کند. پیامبر تا راضی نشود، خداوند ادامه می‌دهد آن عطای خودش را. آن وقت می‌گویند رحمة للعالمین است، برای همه امت و همه انسان‌ها و همه انبیاء و اولیاء، بالاخره آن عنایت و شفاعت خودش را، بال و پر شفاعتش را باز می‌کند و شامل انسان‌ها می‌کند. البته اینطور نیست که این بال و پر آنقدر گشوده شود که کافران را هم دربرگیرد.

مرحوم علامه طباطبایی با استناد به بعضی از روایات می‌فرماید که غیر از مقام شفاعت که پیامبر از آن برخوردار است، او مظهر رحمت و رأفت الهی هم هست و چنین انسانی و با چنین مرتبه و عظمتی، راضی نخواهد شد که امت او در

۱. سوره انبیاء، آیات ۲۶ و ۲۸.

۲. سوره اسراء، آیه ۷۹.

آتش جهنم بمانند. لذا از این جهت پیامبر یک جایگاه خاصی دارد در روز قیامت به عنوان شفاعت کننده. یعنی شفیع می شود به چند جهت؛ هم به جهت مقام شفاعت و این جایگاه شفاعت که خدا به او داده، و هم به جهت اینکه از طرف خداوند تبارک و تعالی مظهر رحمت و رأفت او قرار داده شده، بنابراین این دایره وسیعی است که همه را دربرمی گیرد. ممکن است اینجا کسی بگوید کافران و ظالمان و منافقان هم مشمول این رحمت و شفاعت خواهند شد؛ توجیهاتی برای این ذکر کرده اند که درست است پیامبر(ص) انسان کامل است و انسان کامل آنچنان رحیم و رؤوف است که وقتی وضع انسان ها را در آن شرایط می بیند، ممکن است به یاری آنها بیاید؛ اما ممکن است بگوییم انسان کامل در آن شرایط اساساً از چنین انسان هایی غافل است و در ذهن و ذکر او حضور ندارند؛ چون اگر حضور پیدا کنند، آن رحیمیت و رأفت پیامبر اقتضا می کند که دست اینها را بگیرد و به استغاثه آنها پاسخ بدهد؛ ولی مهم این است که اساساً در آن شرایط صدای اینها به گوش پیامبر(ص) نمی رسد. و آن مسأله اصلی شفاعت که ما گفتیم آمادگی و استعداد برای شمول شفاعت، باید وجود داشته باشد تا شفاعت پیامبر شامل آنها شود. بالاخره «لایشفعون الا لمن ارتضى» و امثال اینها اقتضا می کند که این استعداد و آمادگی تا ایجاد نشود، حتی پیامبر هم نمی تواند همه انسان ها را شفاعت کنند.

بحث جلسه آینده

برخی دیگر از شفاعت کنندگان که هم در دنیا و هم در آخرت می توانند شفاعت کنند باقی مانده که در جلسه آینده عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»